مقبولیت حدیث امام صادق علیه‌السلام در مدینه براساس مقایسه شاخص‌های حدیثی ـ
احمدرضا کرمی
علمی ـ پژوهشی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال هفدهم، شماره ۶۶ «ویژه قرآن و حدیث»، بهار ۱۳۹۹، ص ۱۴۵-۱۸۹

مقبولیت حدیث امام صادق علیه‌السلام در مدینه براساس مقایسه شاخص‌های حدیثی

احمدرضا کرمی*

چکیده: اشتهار حضرت صادق علیه‌السلام به فقه درمیان اهل سنت باعث شده تا در سال‌های اخیر، ابهاماتی درباره اهمیت و جایگاه حدیث ایشان در مدینه قرن دوم پدید آید و اشتغال حضرتش به حدیث و اقبال محدثان عامّی به ایشان مورد تردید قرار گیرد. برای حلّ این مسئله باید جایگاه حدیثی امام صادق علیه‌السلام را تا حد ممکن بازیابی کنیم. برای این منظور، مدلی کلی ارائه می‌شود که بر اساس بررسی شاخص‌هایی کمّی و بعضاً کیفی، از جمله: تعداد شاگردان، تعداد روایات آن محدث در منابع متقدم، رجوع محدثان پرکار به وی و میزان توجه رجالیان و محدثان و اظهار نظرهایشان درباره محدث است.

بنا براین برای بازیابی جایگاه حدیثی امام صادق علیه‌السلام میان اهل سنت و در نیمه ابتدایی قرن دوم مدینه، باید به محدثان سرآمد و پرکار مدینه پرداخته شود؛ شهری که محل اقامت امام صادق و یکی از مهمترین مراکز حدیثی اسلامی بوده و مالامال از راویان اهل سنت و تقریباً تهی از راویان شیعی بوده است. پس از شناسایی محدثان مورد نظر و بررسی برخی از شاخص‌های حدیثی، راویان بی‌اثر یا کم‌اثر در حدیث مدینه را کنار نهادیم و شاخص‌های تکمیلی از محدثان برگزیده را که مشایخ حدیث مدینه هستند مقایسه کردیم. در نهایت با مقایسه شاخص‌های آنان با امام صادق علیه‌السلام جایگاه حدیثی حضرتش درمیان مشایخ حدیث مدینه بازیابی خواهد شد. این مقایسه

*. دانشجوی دکتری علوم حدیث پردیس دانشگاه قرآن و حدیث

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

نشان می‌دهد امام صادق از بالاترین جایگاه حدیثی و اقبال در بین محدثان اهل سنت مدینه در آن عصر برخوردار بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: امام صادق؛ جایگاه حدیثی؛ حدیث اهل سنت؛ حدیث مدینه؛ شاخص‌های حدیثی.

درآمد

حدیث امام صادق درمیان فرقه‌های مختلف اسلامی، اهمیت ویژه‌ای دارد. اما باید از دو منظر کاملاً متفاوت به این موضوع توجه شود، چرا که حدیث امام صادق در بین فریقین به لحاظ مبنایی از دو جایگاه متفاوت برخوردار است. از یک سو درمیان شیعیان، امام و حدیث ایشان، از جایگاه بی‌بدیل و غیرقابل قیاس[۱] هدایت، عصمت و علم الهی برخوردار هستند که به فرض صحت انتساب روایت به امام، جای هیچ خدشه و تردیدی در آن وجود ندارد و به سان حدیث نبوی است.[۲]

در بین عامه، امام صادق در حوزه معارف اسلامی و خصوصا حدیث و فقه، چهره شاخصی در قرن دوم است؛[۳] اما حدیث و شخصیت حدیثی ایشان به مانند دیگر راویان قابل نقد و بررسی است. لذا محدثان و رجالیان عامه، اظهار نظرهای متعددی درباره شخصیت حدیثی و حدیث ایشان داشته‌اند، تا جایی که حتی در کتب نقد راویان حدیث مانند میزان الاعتدال، از ایشان نام برده‌اند. (میزان الاعتدال، ج۱ ،

۱. در منابع شیعی روایاتی صراحت بر این دارند که احدی را نمی‌توان با اهل بیت مقایسه نمود. از جمله مناشدات امیر المومنین با خوارج که به تبیین جایگاه اهل بیت و غیرقابل قیاس بودن انان با دیگران تصریح نموده‌اند. (ر ک المسترشد فی امامه علی بن ابی‌طالب، ص۳۹۹)

۲. امام صادق درباره حدیثشان می‌فرمایند که همان حدیث پدرشان و آن همان حدیث اجدادشان و آن حدیث نبوی بوده که همان کلام خداوند است. (کافی، ج۱، ص۵۳)

۳. برای مطالعه بیشتر ر ک مدخل جعفر صادق، امام، احمد پاکتچی، دائره المعارف بزرگ اسلامی.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

ص ۴۱۴) این دیدگاه باعث‌می شود برای بررسی جایگاه حدیثی حضرت صادق علیه‌السلام در میان عامه، رویکرد مقایسه بین حضرت صادق و محدثان هم‌عصرش را در پیش بگیریم.

طرح مسئله

قسمت اعظم زندگی امام صادق علیه‌السلام در مدینه سپری شده است، شهری که آن را دارالهجره می‌نامیدند و محل ظهور و بروز خاندان رسالت بود. این شهر، علی رغم حضور تقریبا دائمی و سکونت ائمه شیعه علیهم‌السلام تا اواخر قرن دوم در آن، مرکز حدیث سنی بوده و اقامت محدثان شیعه در آن دیار ناچیز به نظر می‌رسد.[۱] حضور شاگردان محدثان مشهور و پرکاری از جمله ابن شهاب زهری و نافع مولی ابن عمر باعث می‌شد تا حدیث مدینه در بین چنین طیف‌هایی از عامه تقسیم شود و فضا برای کار حدیثی اهل بیت علیهم‌السلام و شیعیان محدودتر گردد.[۲] افرادی از قبیل مالک بن انس که نقشی مهم در حدیث اواسط قرن دوم مدینه ایفا کرده‌اند. (رجوع کنید به سرتاسر The Origins of Islamic Law by Yasin Dutton و تهذیب الکمال، ذیل ترجمه مالک بن انس)

در چنین فضایی، فهم میزان تعامل و تمایل طرفینی امام و محدثان سنی برای القا و دریافت حدیث، اهمیت بسزایی دارد، یعنی فهم این مطلب که حدیث امام از چه سطحی از اهمیت برخوردار بوده و تا چه میزان مورد اقبال و توجه محدثان عامه بوده است. البته منظور از جایگاه، چیزی فراتر از گزارش‌های رجالی است. اینکه یک شیخ تا چه میزان در القای حدیث و انتقال آن به راویان نقش داشته و حدیث وی تا چه اندازه برای محدثان و راویان از اهمیت برخوردار بوده، تنها با

۱. مراجعه به کتب رجالی فریقین و بررسی اجمالی اقامت محدثان و مشایخ حدیث بیانگر این مهم است.

۲. جوزف فان اس در فصل دوم پژوهش خود با عنوان کلام و جامعه در سده دوم و سوم هجری، به جریان‌های کلامی مدینه در قرن دوم اشاره نموده و هیچ اشاره ای به وجود جریانی شیعی و امامی نکرده است. نبودنِ افراد متمایل به اهل بیت علیهم‌السلام و دیدگاه‌های امامیه در بین چهره‌های شاخص و پرکار حدیث مدینه در نیمه ابتدایی قرن دوم، جمع بندی فان اس را تأیید می‌کند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

گزارش‌های رجالی قابل فهم نیست.میزان توجه به حدیث یک شیخ و اهمیت آن بین افراد خبره و حرفه‌ای در عصر خویش، نقش بسزایی در بررسی روایات وی دارد. مرتبه ابتدایی در تعیین جایگاه حدیثی یک فرد، مشغول بودن وی به حدیث بوده تا جایی که حتی بعضاً حدیث را به عنوان صناعت و حرفه دانسته‌اند.[1] مراتب بعدی میزان اقبال و روی آوردن مردمان و خصوصاً محدثان و راویان حدیث، به فرد و روایات وی است که در قالب مراجعه حدیثی و شاگردی و دریافت و انتقال روایات وی رخ می‌دهد.

این جایگاه به معنای اقبال همگان یا تمامی اهالی حدیث نیست، چرا که این فرضی تقریباً محال است و در مورد قریب به اتفاق مشایخ چنین امری رخ نداده است. بلکه جایگاه، برآیند اقبال و نظر اهالی حدیث به یک شیخ و روایات وی است. لذا عدم نقل یا بی‌توجهی یک یا دو منبع به حدیث یک شیخ را نمی‌توان به علت جایگاه نازل وی در حدیث دانست.

اینکه در شهر مدینهٔ قرن دوم که فضای حدیثی تقریباً یکدست سنی داشته، حدیث امام صادق علیه‌السلام تا چه میزان مورد توجه بوده و عامه چه قیمت و ارزشی برای آن قائل بوده‌اند، به پژوهشگر کمک می‌کند تا بتواند از نقش قابل توجه تأثیرات دیدگاه‌های کلامی و مذهبی نسبت به گزینش یا عدم گزینش روایات وی تا حد قابل توجّهی عبور کند، چرا که روایات محدثان در طول تاریخ دچار آفاتی گردیده

۱. صناعت حدیث اصطلاحی است که در منابع مربوط به حدیث و رجال از آن استفاده شده است. ظاهرا نخستین بار، ابن حبان از آن استفاده کرد. وی در مورد ابوحنیفه معتقد است که حدیث صناعت او نبوده است. (همچنین برای ملاحظه منابع علم الحدیث، بنگرید: المجروحین، ج۳، ص۶۰)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

که یکی از آنها سانسور یا انتخاب سلیقه‌ای[1] و یا حتی تدلیس در اسناد روایات، توسط صاحبان منابع بوده است؛ اتفاقی که در عصر حضور مشایخ اتفاق رخ داده و پس از آن و با گذشت زمان با افزایش و گسترش آفات ادامه یافته است.[2]

درباره مسئله این پژوهش، یعنی جایگاه حدیثی امام صادق علیه‌السلام در میان عامه[3] در منابع تاریخی و رجالی قرون دوم و سوم ایشان به همان سبک معمول رجالی گزارش‌هایی وجود دارد،[4] گزارش‌هایی که به تنهایی توان حل مسئله جایگاه حدیثی را درباره یک محدث ندارند. در منابع میانی نیز گزارش‌ها و تحلیل‌هایی به چشم می‌خورد که بی ارتباط به مسئله جایگاه امام صادق علیه‌السلام در حدیث عامه نیست. نمونه بارز آن ابن تیمیه است که در توجیه علت عدم نقل بخاری از امام صادق علیه‌السلام در الجامع الصحیح، حدیث امام صادق علیه‌السلام را با زهری مقایسه می‌کند و آن را اصلاً در حد و اندازه حدیث زهری نمی‌داند. (منهاج السنه النبویه، ج۷، ص۵۳۳) در سال‌های اخیر نیز با عنوان اینکه امام صادق علیه‌السلام جایگاه حدیثی قابل توجهی در حدیث عامه نداشته‌اند، به توجیه پدیده عدم نقل بخاری پرداخته شده است. به عنوان نمونه احمد صنوبر در مقاله‌ای ضمن بررسی موضوع عدم نقل بخاری از امام صادق علیه‌السلام،

۱. به عنوان نمونه لالانی در پژوهش خود با عنوان نخستین‌اندیشه‌های شیعی به نقش حدیثی امام باقر علیه‌السلام درمیان عامه و چنین آفاتی در حدیث عامه پرداخته است. (ر ک لالانی، ارزینا، نخستین‌اندیشه‌های شیعی، امام محمد باقر در حوزه‌های اهل حدیث ص ۱۳۷ تا ۱٤٤)

۲. به عنوان نمونه اختلافات بخاری و مشایخ وی با ابوحنیفه و تاثیرات ان در نقل ایشان خصوصاً بخاری از ابوحنیفه. (ر ک محمود احمدی‌میانجی، بخاری و ابوحنیفه دو جریان متقابل، نشریه علوم حدیث، شماره ۹)

۳. منظور از عامه در این مقاله اهل سنت و جماعت هستند. و گروهی همچون زیدیه از منظور این پژوهش خارج هستند. گروه مد نظر، جریانی است که تمایز مبنایی با شیعیان در جانشینی پیامبر داشتند و در قرن دوم متشکل از اصحاب رای و اصحاب اثر بودند و در ادامه همه گی به عنوان اهل سنت شناخته شدند. (ر ک پاکتچی، اصحاب حدیث، ص ۱۱٤ الی ۱۱۸، فرمانیان، فرق تسنن، ص۱۸)

٤. ر ک گزارش‌های مزی از کتب متقدم تاریخی و رجالی ذیل ترجمه جعفر بن محمد و گزارش‌های مدرسی طباطبایی درمیراث مکتوب شیعه سرتاسر فصل دوم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

علت را «عدم اشتغال امام به حدیث به صورت جدّی و اینکه ایشان محدث طراز اولی نبوده» بیان نموده است.[1] البته پیش از این نیز به شکل‌هایی دیگر به این موضوع پرداخته شد.[2]

این در حالی است که اشتغال به فقه نه تنها لزوماً منافاتی با اشتغال به حدیث نداشته، بلکه بعضاً مؤید آن نیز بوده است و محدثی فقیه را بر محدثی که از فقه سررشته نداشته، ترجیح‌می داده‌اند.[3]

محور و نتیجه اصلی که در این گونه نظریات ملاحظه می‌شود، این است که امام صادق علیه‌السلام دارای جایگاه حدیثی ممتاز و یا حتی قابل قبولی برای اقبال راویان به ایشان و حدیثشان نبوده‌اند. لذا چنانچه به جای پرداختن به نقطه نظرات افراد مختلف، جایگاه حدیثی حضرت صادق علیه‌السلام را بازیابی کنیم، نتیجه‌ای جامع‌تر در دست خواهیم داشت و به پرسش‌های بیشتری پاسخ خواهیم داد. محدود سازی زمانی و مکانی به قرن دوم و شهر مدینه به دقت و کیفیت پژوهش کمک خواهد کرد.

۱. صنوبر، احمد، اسباب عدول الامام بخاری عن التخریج للامام الصادق فی صحیحه، موتمر الانتصار للصحیحین، جامعه الاردنیه.

۲. احمد صنوبر در مقاله خود که در موتمر الانتصار للصحیحین ارائه نموده در پاسخ به این سوال تاریخی که چرا بخاری در صحیح خود از امام صادق علیه‌السلام نقل حدیث نکرده است، این فرضیه را ارائه می‌دهد که بر مبنای اشتغال امام صادق علیه‌السلام به فقه و دریافت روایات بصورت تقریبا انحصاری از پدر، ایشان از دایره تخصصی حدیث در مدینه خارج بوده‌اند و لذا حدیث ایشان برای طالبان حدیث جذابیت لازم را نداشته است. و لذا علت عدم توجه مصنفین حدیث و برتری دادن روایات دیگر محدثان بر امام صادق علیه‌السلام را همین بیان می‌کند. همچنین وی مانند ابن تیمیه، حدیث امام صادق علیه‌السلام را با زهری و برخی دیگر مقایسه نموده است.

۳. برای بررسی کامل‌تر بنگرید: کرمی، مقالهٔ منتشر نشدهٔ امام صادق علیه‌السلام فقیه یا محدث و تاریخ فقه و حدیث و تعامل آنان با یکدیگر. البته محدثانی که صنوبر آنان را با امام صادق علیه‌السلام مقایسه نموده،نمی توان از اقران امام صادق علیه‌السلام دانست؛ چرا که زهری و عبیدالله بن عمر از تابعین بوده‌اند و ابی الزناد در طبقه بعد از امام صادق علیه‌السلام بوده و حدیث محدثانی را که در یک طبقه نیستند، نمی‌توان با یکدیگر از جهت میزان احتیاج و مراجعه محدثان قیاس کرد. اما به هرحال، صنوبر عدم اشتغال امام صادق علیه‌السلام به امر حدیث و کناره گیری از آن را عامل عدم اقبال راویان و صاحبان منابع حدیثی دانسته است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

اما برای دستیابی به جایگاه امام صادق علیه‌السلام در حدیث قرن دوم مدینه، بسنده نمودن به تعابیر رجالیان و قضاوت‌های آنان کفایت نمی‌کند. برای این کار پیشنهاد نگارنده، تعیین شاخص‌هایی است که دقت بازیابی جایگاه و رتبه حدیثی را افزایش دهد. اکثر این شاخص‌ها کمّی است و با برخی شاخص‌های کیفی تلفیق می‌شوند تا نتیجه کامل‌تری به دست آوریم. البته منابع در دست ما نیز نتایج ما را محدود خواهد ساخت، چرا که همانطور که اشاره شد، حدیث مشایخ و محدثان در منابع با سانسورها و محدودیت‌هایی مواجه شده است؛ اما با وجود چنین فیلترهای حدیثی و کلامی برای انتخاب روایات، کنار هم قرار دادن این منابع، نمونه‌هایی را به دست می‌دهند که با واقعیت سازگاری دارد، گرچه تمام واقعیت را بازیابی نمی‌کند.

با این معیارها سعی خواهد شد تا محدثان پرکار در مدینه شناسایی شده و سپس رقبای حدیثی امام صادق علیه‌السلام در فضای حدیثی عامه -که همان مشایخ اصلی حدیث مدینه هستند - شناسایی شوند. آنگاه در نهایت به سؤال اصلی این پژوهش خواهیم رسید که امام صادق علیه‌السلام در بین مشایخ حدیث مدینه در قرن دوم از چه جایگاه حدیثی برخوردار بوده‌اند؟

۱. بازیابی جایگاه و سهم یک محدث متقدم در حدیث عصر خویش

الف. بازبینی اجمالی روش سنتی بررسی احوال راویان

در بین متقدمان حدیث و رجال، یکی از روش‌های اظهار نظر درباره راوی، مقایسه وی با راوی دیگری بوده است. این روش در بین رجالیان عامه در قرون دوم و سوم رایج بوده است. به عنوان نمونه مقایسه‌های یحیی بن سعید قطان بین

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

دو راوی شهرت دارد.[1] البته مسئله علم رجال، تعیین جایگاه محدثان نیست، اما عملاً یکی از نتایجی که از آن برداشت می‌شود تعیین جایگاه محدث است. معمولاً در تحقیقات به همین ابزار اکتفا می‌شود، به این شکل که به آرای رجالیان درباره راوی مراجعه شده و با مبانی رجالی موجود، گزاره‌ها جمع‌بندی و اظهار نظر می‌شود. در نتیجه با گزاره‌هایی، مختصر یا مفصل، مواجه هستیم که یا تنها قضاوت رجالی درباره راوی است و یا توضیحاتی تفصیلی درباره وضعیت علمی، حفظ، صداقت یا عدم صداقت، وضعیت مذهبی و برخی موارد دیگر درباره راوی به دست می‌دهد که نوعاً با اظهار نظر رجالی همراه است.

به نظر می‌رسد این روش با ابهامات و چالش‌هایی مواجه است، چالش‌هایی که برای رسیدن به هدف علم رجال وجود داشته و دارد، و نیز چالش‌هایی برای رسیدن به مقصود ما که تعیین جایگاه راوی در عصر خویش است. یکی از چالش‌های مهم این دیدگاه، بسنده کردن به گزارش‌های رجالی است، در حالی که توصیف‌های رجالی نوعاً با اخبار واحد به دست ما رسیده‌اند، اخباری که بعضاً در اصل انتساب آنها نیز تردید وجود دارد. همچنین محتمل است که بخشی از این توصیف‌ها به دست ما نرسیده باشد، چرا که برخورد گزینشی در گزاره‌های رجالی و تاریخی همچون برخورد گزینشی محدثان در انتخاب روایات وجود داشته و با مقایسه‌ای ابتدایی‌میان منابع رجال یا تاریخ، با آن مواجه خواهیم شد. در کنار این‌ها به هر میزان محدث به قرون اول و دوم نزدیک تر باشد، باز فهم درجه حدیثی، نقش، اهمیت و جایگاه و حتی مقبولیت او در عصر خودش مشکل‌تر خواهد شد، چرا که اظهار نظرها و توصیف‌های رجالی هم عصرانش درباره او بسیار ناچیز است و

۱. تاریخ کبیر، ج۲، ص۳۳۳. همچنین درباره یحیی بن معین بنگرید: تاریخ ابن معین روایه ابن محرز، ج۱، ص۱۱٤، نیز سنن دارمی ج۱، ص۵۲، ج۳، ص۲۲٦و۲۳۸و۳۳٦.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

اکثر توصیف‌ها به قرن سوم و پس از آن بازمی‌گردد. طبعاً این فاصله زمانی قابل توجه، باعث فروکاستن دقت و کیفیت اظهار نظرها خواهد شد. همچنین تطورات کلامی در مکاتب مختلف موجب تغییر نگرش‌ها شده و این تغییر نگرش‌ها طبعاً در توصیف‌های رجالی تاثیر داشته است. چه بسا محدثی که در قرن خویش مورد اقبال اهالی حدیث بوده اما در قرن‌های بعد به آن شکل مورد توجه قرار نگرفته است؛ یا در عصر خویش به صورت جدی مورد توجه حدیثیان نبوده، اما پس از مدت‌ها، به حدیث یا آثار وی توجه شده است. این مسئله حتی در مورد برخی از محدثان نامی وجود دارد. مثلاً درباره محمد بن اسماعیل بخاری که اختلاف کلامی استادش ذهلی با وی باعث شد در اواخر عمر در انزوا به سر ببرد، تا حدی که صحیح وی نیز با طرق انگشت شماری به طبقه بعدی منتقل شود.[1] اما مدتی بعد به عنوان مهمترین کتاب حدیثی عامه شناخته شد. این یکی از چالش‌هایی است که در بستر تاریخ بوجود آمده است.

موضوع مهم دیگر تفاوت‌میان وثاقت و مساهمت است. منظور نگارنده از تعیین درجه و جایگاه، لزوما وثاقت محدث نیست. با این توضیح که مثلاً چه بسا برخی از محدثان در گزارش‌های رجالی، ثقه معرفی شده‌اند، اما روایات ایشان اندک بوده و احتمالاً اشتغال به حدیث نداشته‌اند. افرادی با این وصف بسیار پر شمار هستند. به عنوان نمونه، یکی از مدنی‌های هم عصر امام صادق علیه‌السلام، ابوبکر بن عبیدالله العدوی (متوفی ۱۳۱) است که او را ثقه شمرده‌اند (مزی، ج۳۳، ص۱۱۹)، اما روایات شمارش شده وی کمتر از ده عدد است و هیچ یک از راویان حدیث به صورت مکرر به وی مراجعه نداشته است. در مقابل، داشتن جایگاه در حدیث باعث می‌شده

۱. برای سیر توجه به این اثر و تقدس یابی ان رجوع کنید the canonization of al-bukhari and muslim by j brown

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

راویان متعددی برای دریافت حدیث به شیخ مورد نظر رجوع کنند و به حدیث و شخصیت حدیثی وی بپردازند؛ به این خاطر، روایات وی متعدد شود و با طرق مختلف منتقل گردد. همچنین در بسیاری از موارد، نقل روایات متعدد توسط راویان گسترده و متفاوت، نشانی از خوش نامی و احتمالاً وثاقت شیخ نیز بوده است. به هر روی، روش سنتی و معمول برای تعیین وثاقت یک محدث -که بعضاً به اشتباه با جایگاه راوی و اشتغال وی به حدیث، مترادف فرض شده- گردآوری اقوال رجالیان و جمع‌بندی نظرات مختلف مبتنی بر قواعد رجالی است.

ب. چالش‌های درونی روش سنتی:

برخی معضلات موجود در روش سنتی دامن‌گیر تعیین نقش و جایگاه محدث نیز خواهد شد.

اولاً عدم اشراف کامل برخی از رجالیان نسبت به محدث و قضاوت‌های غیر دقیق است که نمونه‌های فراوانی در کتب حدیثی و تراجم رجال دارد. مثلا در گزارشی، یحیی بن سعید قطان، امام صادق علیه‌السلام را با مجالد مقایسه و ضعیف‌تر می‌انگارد و ذهبی این را از لغزشهای او می‌شمارد. (سیر اعلام النبلاء، ج۶، ص ۳۶۳)

ثانیاً عوامل غیر علمی بر گزارش‌ها یا قضاوت‌های رجالی اثر گذاشته است؛ مسائلی همچون حسادت، رقابت، کدورت‌های شخصی، و یا تعلق خاطر قومی و قبیله‌ای یا روابط شاگرد و استادی. به عنوان نمونه، ذهبی پس از ذکر مواردی از حمله‌های بزرگان حدیث و مذاهب به یکدیگر، درباره اختلافات مالک و ابن اسحاق و تضعیفات وی، خاستگاه بسیاری از این تضعیفات را اشتباهات ائمه جرح و تعدیل می‌داند که ریشه در کینهٔ درونی دارد و لذا ارزش و اعتبار علمی ندارد. وی بسیاری از انتقادات اقران درباره یکدیگر را غیرقابل اعتنا دانسته است، خصوصاً در مواردی که جماعتی منصف او را موثق دانسته باشند. (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۷، ص ۴۰)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

ثالثاً تعصبات مذهبی و کلامی چه بسا باعث قضاوت‌هایی تند و غیرمنصفانه نسبت به شخصیت حدیثی یک محدث می‌شود. در این باره تاج‌الدین سبکی به عنوان قاعده‌ای اصولی از توجه به این نوع تضعیفات به شدت منع نموده و در مورد امامی که عدالت او محرز شده، جرح را مردود دانسته است. وی علت اصلی این‌گونه تضعیف‌ها را تعصب مذهبی می‌داند. و جالب اینکه پذیرش این جرح‌ها را باعث هلاک شدن تمامی ائمه دانسته است. به گفتهٔ او، امامی نیست مگر این‌که مورد جرح، آن هم جرحی جدّی قرارگرفته است. (سبکی، طبقات الشافعیه الکبری، ج ۲، ص ۹) گلدزیهر نیز در آثار خود به این چالش اشاره کرده است. وی معتقد است در مواردی نادر می‌توان به توافق علما بر وثاقت یک راوی دست یافت و اغلب صفات بسیار متناقضی برای یک راوی بکار رفته است. او نمونه‌ای از نظرهای متناقض بخاری و احمد حنبل یا ابو حاتم و نسایی ارائه می‌دهد.[۱]

همچنین مواردی دیگر از جمله تدلیس می‌توان برشمرد، که به همین مقدار بسنده می‌شود، بدان روی که بررسی آفات و عوارض موجود در گزارش‌های رجالی، از عهده این مقاله خارج است. با توجه به وجود این مشکلات و مسائل درگزارش‌های موجود و نیز عدم جامعیت گزارش‌ها، برای درک وضعیت حقیقی موقعیت محدث، لازم است راهکاری جامع‌تر ارائه گردد.

۲. مدل پیشنهادی بازیابی جایگاه یک محدث در حدیث عصر خویش

راهکار پیشنهادی این پژوهش، استفاده از شاخص‌هایی نوعاً کمّی و بعضاً کیفی در بستر تاریخ و حدیث است که برخی از آنها یاد می‌شود.

---

۱. معارف، مجید، فقهی‌زاده، عبدالهادی، نقد و بررسی نظریه گلدتسیهر درباره تقدم نقد حدیث بر نقد متن، به نقل از (muslim studies,1971,p. 28) ذهبی نیز نمونه‌ای از این جهت‌گیری را ذکر می‌کند. (دانشنامه جهان اسلام، مدخل جوزجانی ابواسحاق ابراهیم بن یعقوب بن اسحاق سعدی)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

الف. تعداد روایات و شاگردان محدث

تعداد روایات محدث تا حد زیادی نشان دهنده جایگاه وی در روزگار حیات او است. می‌توان توقع داشت که هر چه اثرگذاری او بیشتر بوده، احادیث این شخصیت قدرت نفوذ بیشتری داشته و پرشمارتر نقل‌می‌شده است. همچنین رجوع تعداد بیشتری از راویان برای اخذ روایات محدث مورد نظر نیز رابطه مستقیم با جایگاه محدث مورد نظر دارد. مسئله‌ای که از دیرباز مورد توجه محدثان و رجالیان بوده و در ترجمه هر محدث به ذکر شاگردان او می‌پرداختند.[1]

ب. مراجعه راویان مشهور و پرکار

شخصیت علمی و میزان فعالیت حدیثی شاگردان محدث نیز از شاخص‌های مهم در این بررسی است. رجوع راویانی که خود داعیه‌دار و پرکار و احتمالاً معتبر بوده و اشتغال به حدیث داشته‌اند، به یک محدث و نقل روایات وی، نشانگر اعتبار و جایگاه ویژه آن محدث است. هر قدر مراجعات و گزارش‌های حدیثی آنها از استاد بیشتر باشد، اهمیت بیشتری را نشان می‌دهد.

ج. داوری‌های رجالیان و محدثان

داوری‌های گزارش شده درباره محدث ما از چند جهت قابل استفاده‌اند.

اول اینکه آیا هم عصران وی درباره او اظهار نظر کرده‌اند یا خیر؟ اگر نوع هم عصران هیچ اظهار نظری نکرده باشند، احتمالاً حدیث و شخصیت علمی وی مورد توجه و اقبال نبوده و ارزش خاصی برایش قائل نبوده‌اند. برعکس چنانچه اکثریت هم عصرانی که اهل داوری کردن درباره محدثان بوده‌اند، در مورد محدث ما اظهار نظر کرده باشند، نشان می‌دهد در کانون توجهات هم عصرانش قرار داشته است.

۱. این موضوع از همان قرون اولیه مورد توجه محدثان قرار گرفت و به عنوان نمونه بخاری در کتب تاریخ خود ذیل نام راویان به ان پرداخته است. البته سبک بخاری اشاره به تمامی راویان نبود و برگزیده‌ای از آنان را ذکر می‌نمود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

ثانیاً نظر مثبت جمع قابل توجهی از هم عصران، اعتبار حدیث و مقبولیت وی در آن دوران را نشان می‌دهد.

ثالثاً دوره زمانی زندگی رجالیانی که اظهار نظرهای نخستین را درباره محدث ما داشته‌اند نیز اهمیت دارد و دوران اعتباریابی محدث و روایاتش در جامعه علمی را نشان می‌دهد.

د. نقل حدیث در منابع مربوطه

میزان نقل روایات محدث در منابع حدیثی و مرتبط با حدیث نیز نشانگر میزان نفوذ روایات وی و توجه صاحبان منابع به آن است. طبعاً منابعی که هم عصر وی و یا با اندکی فاصله زمانی پس از وفات محدث هستند، ارزش بیشتری در این بررسی خواهند داشت. تعداد منابع بیشتر و گسترده‌تر به لحاظ مکتب و جغرافیای حدیثی، که از محدث نقل حدیث کرده‌اند، نشانگر مبادله و نفوذ و مقبولیت بیشتر روایات وی خواهد بود.

ه. پایگاه اجتماعی و وضعیت مذهبی

پایگاه اجتماعی و وضعیت مذهبی عاملی است که شاید تأثیری عیان در گسترش و نفوذ روایات نداشته است و نمی‌توان به راحتی به آن دست یافت و طبعاً برای دسترسی به آن لازم است پژوهشی مجزا صورت گیرد. اما می‌توان نشانه‌هایی از آن را بررسی کرد. مثلاً در این پژوهش می‌توان به نسب افراد پرداخت، چرا که نسب در تعاملات میان اعراب نقشی غیرقابل چشم‌پوشی داشته است. مثلاً می‌بینیم نسب راویان همواره مورد توجه محدثان و رجالیان بوده است. این نکته که محدث از موالیان بوده یا از قبائل مشهور و معتبر، از ابتدا مورد توجه منابع تاریخی، رجالی و بعضاً حتی حدیثی قرار گرفته است. این موضوع نیز می‌توانسته در پذیرش و قدرت نفوذ روایات فرد نقش ایفا کند. حتی در مواردی روایات فرد در بین اقوام

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

او مبادله می‌شده و وجود قبیله‌ای مهم و پرتعداد، کمکی شایان به گسترش روایات او می‌کرده است. همچنین حسن یا سوء مذهب راوی در تقویت یا تضعیف محدثان کارساز بوده است. این نکته را می‌توان از اظهار نظر برخی صاحبان منابع دربارهٔ افرادی که مذاهبی همچون جهمی یا قدری داشته‌اند پی گرفت.[1] البته این را می‌توان شاخصی سلبی در نظر گرفت، به این معنی که وضعیت مذهبی در مورد جایگاه بسیاری از محدثان نقش ملموسی ایفا نمی‌کند؛ اما در مورد برخی از آنان، وضعیت خاص مذهبی، باعث بدبینی و عدم اقبال به حدیث ایشان شده است.

به نظر می‌رسد جمع‌بندی مجموع این شاخص‌ها تأثیر بسزایی در بازیابی جایگاه حقیقی محدث در عصر خویش خواهد داشت.[2] این روشی است که می‌توان آن را روش ترکیبی – حدیثی، تاریخی- نامید. اما ابتدا باید به پیش فرض‌های تسهیل گرِ پژوهش توجه شود.

۳. پیش فرض‌های تسهیل‌گر

به نظر می‌رسد استفادهٔ ضابطه مند از پارامترهای مختلف حدیثی و تاریخی در فهم جایگاه یک محدث در روزگار و بوم خویش کمک شایانی خواهد کرد و برخی از ابهامات را از بین خواهد برد، روشی که معضل وجود فاصله زمانی، مکانی و فرهنگی موجود را تا حد امکان آسان کند. لازمهٔ این امر، ارائهٔ مدلی است که

۱. موارد پرشماری از این قبیل گزارش شده است. مثلا نظر سفیان بن عیینه درباره عبدالحمید بن جعفر انصاری را چنین اظهار داشته‌اند: کان یضعفه من اجل القدر (تهذیب التهذیب، ج۶ ص ۱۱۲). نیز ابن حجر درباره داود بن حصین به این شکل جمع‌بندی می‌کند: ثقه الا فی عکرمه و رمی برأی الخوارج. (تقریب التهذیب، ج۱، ص ۱۹۸)

۲. طبعاً استفاده از این شاخص‌ها کاملترین مدل پیشنهادی نیست. در پژوهش‌های آتی می‌توان شاخص‌های بیشتری برای رسیدن به نتایج دقیق‌تر به کاربست، از جمله بررسی تعداد طرق روایات محدث و نیز بازیابی وابستگی محدث به جریان‌های حدیثی دوران که البته نیاز به بررسی‌های موشکافانه تاریخی دارد. نمونه‌های متعدد کاربست این روش را می‌توان در پژوهش‌های غربی جست و جو نمود. ازجمله علم الکلام و المجتمع اثر فان اس که در آن به بررسی جریان‌های کلامی و حدیثی قرن دوم مسلمانان در بوم‌ها و مناطق مختلف پرداخته است. همچنین پایان نامه "گفتمان‌های حدیثی نزد جریان‌های متقدم امامیه" اثر محمدهادی گرامی.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

بتوان به شکلی نسبتاً یکسان و استاندارد در مورد محدثان مختلف اعمال کرد. علی القاعده وجود حلقهٔ علمی قوی و مراجعهٔ افراد شاخص و پرتعداد به محدّث مورد نظر، نشانگر وجود جایگاه و نقش اثرگذار در حدیث است. لذا همانطور که اشاره شد، مدل مورد نظر، مبتنی بر مقایسهٔ شاخص‌هایی از این دست با هم عصران آن محدث خواهد بود. اما برای درک بهتر مبانی نگارنده، نیاز به تبیین پیش فرض‌هایی است.

پیش فرض اول این که شاید یک محدث در عصر خویش، خصوصاً دو قرن اول، از جایگاه قابل توجهی برخوردار بوده و بسیار مقبول واقع می‌شده، اما در یک تغییر تاریخی، نگاه محدثان قرون بعدی خصوصا قرن سوم و چهارم - یعنی زمان شکل‌گیری مهمترین کتب و منابع حدیث - تغییر می‌کند و منفور واقع می‌گردد، لذا با سانسور دسته جمعی مواجه می‌شود. این معضل، از احتمال بالایی برخوردار نیست، اما ناگزیر است؛ چرا که ما برای قریب به اتفاق پژوهش‌های مربوط به دو قرن اول، ناچار به استفاده از منابع و گزارش‌هایی هستیم که در قرن سوم و پس از آن شکل گرفته‌اند. این معضل، تا حدی خطا را در پژوهش‌های مربوطه وارد می‌کند، اما باعث کنار گذاردن پژوهش نخواهد شد؛ بلکه می‌دانیم قدری تقریب در پژوهش ما وجود خواهد داشت که احتمالاً فاصلهٔ زیادی تا واقعیت ندارد. بهره‌برداری از شاخص‌های متعدد به ما کمک می‌کند با وجود احتمال خطا، به هدف نزدیک‌تر شویم.

پیش فرض دوم این که طبعاً آغاز راه برای بررسی جایگاه یک محدث، انتخاب گروهی از محدثان برای مقایسه است. برای انتخاب جامعه‌ای که بنا است با محدث ما مقایسه شوند، نمی‌توانیم شاخص‌های تمامی محدثان آن عصر و بوم را بررسی کنیم؛ بلکه محدثانی را که دارای سهم احتمالی در حدیث بوده‌اند، انتخاب می‌کنیم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

این انتخاب مبتنی بر تعداد روایات نقل شده از محدث و برخی خصوصیات ابتدایی مثلاً سکونت یا عدم سکونت در مدینه است. برای این منظور، برای تعداد روایات حدی را تعیین می‌کنیم و محدثی را که روایاتش کمتر از آن تعداد نقل شده باشد کنار می‌گذاریم. این حد به شکلی تعیین می‌شود که نسبت به حضور حداکثری محدثان مؤثر و صاحب جایگاه، اطمینان داشته باشیم. طبعاً در این حالت به اسناد روایات موجود اعتماد نموده‌ایم و از آفات احتمالی موجود در اسناد روایات چشم می‌پوشیم. آفاتی که معمولاً در نظریات پژوهش گران غربی به آن توجه شده است.[1] چرا که تعداد شاگردان حدیثی محدثان ما از میان این اسناد شمارش شده‌اند و در صورت وجود آفاتی در سند، پژوهش ما نیز دچار آن آفت خواهد شد. همچنین مسیر شناخت شاگردان این محدثان، اعتماد به همین اسناد است. گرچه آفت‌های احتمالی موجود در اسناد نیز احتمال خطا در نتیجه‌گیری ایجاد می‌کند، اما استفاده از منابع متعدد به طور اطمینان‌آوری ما را به واقعیت نزدیک خواهد کرد. نهایتاً به نظر می‌رسد این پیش فرض‌های ساده کننده با محدودسازی دایره اطلاعات و شواهد موجود حدیثی، ما را با جامعه آماری و نتایجی مواجه می‌سازد که به حقیقت نزدیک هستند.

۴. بازیابی جایگاه حدیثی امام صادق علیه‌السلام در میان اهل سنت مبتنی بر مدل ترکیبی

الف. مراحل بازیابی جایگاه حدیثی امام صادق علیه‌السلام در مدینهٔ نیمهٔ اول قرن دوم

با توجه به روش ارائه شده، گام‌های دستیابی به جایگاه امام صادق علیه‌السلام در میان

۱. از جمله نقش حلقه مشترک‌ها در اسناد روایات و اسناد شیرجه‌ای (یعنی کنار گذاشتن سلسبه سند و استفاده از مسیری دیگر برای رسیدن به پیامبر یا راوی حدیث از پیامبر) و رفع دادن روایات تا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، بنگرید: مایکل کوک، تاریخ‌گذاری روایات، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

اقران آن حضرت، به این ترتیب است:

گام نخست: مشخص کردن جامعهٔ آماری مورد نظر:

شرایط افرادی که در یک دوران زندگی می‌کنند مشابه است و مقایسه میان هم عصران، نتایج دقیق‌تر در بر خواهد داشت، لذا جامعهٔ آماری ما اقران امام صادق علیه‌السلام هستند. به هر حال، فرهنگ و آداب حدیثی، مشایخ حدیثی، شاگردان و راویان اثرگذار شیخ، نوع تعامل مذاهب کلامی مختلف با محدثان و بسیاری از دیگر عوامل در شکل‌گیری جایگاه حدیثی محدثان یک دوران، تأثیر مشابهی دارد؛ لذا درمیان ایشان، مقایسه‌ای دقیق‌تر صورت خواهد گرفت.

مرحله دوم: محدودسازی جغرافیایی

مشایخ و راویان حدیث یک شهر و شرایط حاکم بر حدیث آن دیار، از جمله سفرهای راویان حدیث و صاحبان منابع حدیثی به آن منطقه، تمایزهایی بین فضای حدیثی هر شهر و مکتب پدید می‌آورد. لذا در صورت مقایسهٔ شاخص‌های حدیثی محدثان مدینه به نتایج دقیق‌تر خواهیم رسید.

در مرحله بعدی به دنبال پرکارترین راویان هستیم. با این توضیح که کاملترین جامعه آماری برای ما، تمامی محدثان مدنی هم عصر امام صادق علیه‌السلام هستند. مطابق شمارش نرم افزار «جوامع الکلم» محدثان مدینه در طبقه ششم (طبقه امام صادق علیه‌السلام در نرم افزار جوامع الکلم) سیصد و بیست و شش نفر است. اما بررسی شاخص‌های تک تک آنان از عهده این پژوهش خارج است. علاوه بر آن نیازی به بررسی تک تک این افراد احساس نمی‌شود، چرا که در بررسی گذرا و اجمالی، تعداد روایات گزارش شدهٔ گروه انبوهی از این محدثان، اندک است، به گونه‌ای که تعداد روایات گزارش شده برای چهل و نه نفر از محدثان، یک عدد بوده است. همچنین برای هشتاد و هشت نفر، بین دو تا چهار روایت شمارش شده است. طبعاً قریب به

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

اتفاق این جماعت مشغول به حدیث نبوده‌اند و در فضای علمی حضور نداشته‌اند. برای اینکه بدانیم این افراد یعنی محدثان پرکار در حدیث مدینه در حدود سال‌های ۱۲۵ الی ۱۶۰ (سال‌های تقریبی حیات اقران امام صادق علیه‌السلام) چه کسانی بوده‌اند، به محدود نمودن راویان با اوصاف فوق و تهیه لیستی از اسامی آنان می‌پردازیم.[۱]

در این بین، برای بیست و شش نفر از محدثان مدنی هم عصر امام صادق علیه‌السلام، بیش از پنجاه روایت گزارش شده است. به نظر می‌رسد نفرات اصلی جریان حدیث مدینه را باید ازمیان این گروه جستجو کنیم. این جامعه آماری، مجموعه‌ای مناسب برای مقایسه محدثان خواهد بود.

گام دوم: بررسی شاخص‌های حدیثی برای تعیین درجه هر محدث

در میان شاخص‌های پیشنهادی برای شمارش تعداد روایات محدثان مورد نظر، مراجعه به کتب متقدمان، نتایج دقیق‌تری در پی دارد. این گونه شمارش، از تکرار روایاتی که از این منابع در کتب متأخر نقل شده، جلوگیری خواهد کرد؛ لذا به روایاتی اصیل‌تر و با تکرار کمتر دست خواهیم یافت. برای این کار، روایات محدث در مجموعه‌ای از کتب متقدم را به کمک نرم افزارهای حدیثی شمارش می‌کنیم. طبعا هرچه دایرهٔ کتب گسترده‌تر باشد، نتیجه‌ای دقیق‌تر در دست خواهیم داشت.[۲]

۱. با توجه به دقت نظر قابل قبول نرم افزار «جوامع الکلم»، از این نرم افزار برای تهیه لیست اسامی و محدود سازی مورد نظر استفاده شده است.

۲. گرچه نمی‌توان برای شمارش‌های صورت گرفته تا حال ادعای دقت کامل داشت، اما برخی از شمارش‌ها دقیق‌تر می‌نماید. بر این مبنا شمارش روایات محدثان توسط نرم افزار جوامع الکلم منبع شمارش روایات در این مقاله است. از نقاط قوت این گردآوری، گوناگونی منابع است. منابعی از دسته صحاح و مستخرجات، مسانید، سنن و موطآت، معاجم، فقه، رجال و تواریخ، علوم حدیث، علوم قران، اخلاق، مناقب و شمائل، اجزاء و فوائد. همچنین استفاده از صد و دوازده منبع باعث شده تا بسیاری از منابع معتبر و موجود در بین مصادر این نرم افزار قرار بگیرند. منابع نرم افزار نهایتا مربوط به قرن پنجم هستند و این باعث جلوگیری از تکرار و پایین آمدن دقت شمارش شده است. ضعف اصلی آن نیز ایندکس نشدن موردی برخی محدثان و راویان در برخی از منابع است. در مجموع نرم افزار جوامع الکلم، شمارشی نسبتا جامع را به پژوهشگران ارائه می‌دهد و مورد استفاده در این پژوهش است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

برای شمارش تعداد راویان حدیث هر محدث نیز علاوه بر نرم افزار، از شمارش مزّی در «تهذیب الکمال» بهره خواهیم جست، چرا که مِزّی نمونه‌ای کم نظیر برای شمارش راویان هر محدث تا پایان قرن هشتم ارائه کرده است. البته نمی‌توان دقت کامل و شمارش جامع راویان را در تهذیب الکمال ادعا کرد؛ اما با توجه به جامعیت نسبی این اثر، شمارش آن، مبنای این پژوهش خواهد بود. شاخص‌های دیگر نیز با استفاده از منابع رجالی، تاریخی و حدیثی خصوصا «تهذیب الکمال» و «تهذیب التهذیب» استخراج خواهند شد.

به هر روی، پس از بررسی شاخص‌های تعیین شده، راویان ما به دو گروه تقسیم خواهند شد: گروه اول که با توجه به شاخص‌های ابتدایی، از مشایخ مؤثّر بر حدیث مدینه نبوده‌اند. از جمله عدم توجه رجالیان، فقدان یا ناچیز بودن راویان مدنی از محدث، سکونت در شهری دیگر و عدم ارتباط با حدیث مدینه. گروه دوم با توجه به شاخص‌های ذکر شده احتمالاً از افراد مقبول و شناخته شده در حدیث مدینه بوده‌اند و باید آنان را از مشایخ حدیث مدینه درمیان عامه دانست.

گام سوم: بررسی شاخص‌های تکمیلی

در مورد گروه اول، نیازی به بررسی شاخص‌های دیگر نیست؛ چرا که در همان شاخص‌های اولیه تکلیف آنان مشخص شده و بررسی شاخص‌های دیگر بیهوده خواهد بود. اما برای گروه دوم شاخص‌هایی تکمیلی نیز بررسی می‌شوند، از جمله اعلام یا عدم اعلام نظر رجالیان نام آور و محدثان برجسته در قرن دوم و سوم (افرادی که معمولاً دربارهٔ محدثان اعلام نظر می‌کرده‌اند)، دیدگاه رجالیان مذکور درباره هر یک از مشایخ (توثیق، تضعیف، مدح، ذم)، تعداد راویان حدیث شیخ مورد بررسی با این ملاک که بیش از ده روایت از شیخ نقل کرده باشند و خود

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

شاگرد نیز از راویان پرکاری باشد که بیش از پنجاه روایت از وی نقل شده است[1]، وجود روایت شیخ در کتب مشهور و معتبر حدیثی قرن دوم و سوم با این هدف که آیا روایات شیخ به حدی از شهرت و مقبولیت رسیده بوده که به دست صاحبان این منابع رسیده و مقبول آنها واقع شده باشد؟

منابع منتخب ما به شرح ذیل هستند:

۱. موطا مالک بن انس (مدنی/۱۷۹)[2] ۲. مسند عبدالله بن مبارک (خراسانی/۱۸۱) ۳. مسند شافعی (مکی/۲۰۴) ۴. مسند طیالسی (بصری/۲۰۳) ۵. مصنف عبدالرزاق صنعانی (یمنی/۲۱۱) ۶. مسند حمیدی (مکی/۲۱۹) ۷. مسند سعید بن منصور(خراسانی/۲۲۷) ۸. مسند ابن الجعد (مکی/۲۳۰) ۹. مصنف ابن ابی شیبه (کوفی/۲۳۵) ۱۰. مسند اسحاق بن راهویه (خراسانی/۲۳۸) ۱۱. مسند احمد بن حنبل (بغدادی/۲۴۱) ۱۲. مسند عبد بن حمید (خراسانی/۲۴۹) ۱۳. مسند دارمی (سمرقندی/۲۵۵) ۱۴. صحیح بخاری (بخارایی/۲۵۶) ۱۵. صحیح مسلم (خراسانی/۲۶۱) ۱۶. سنن ابن ماجه (قزوینی/۲۷۵) ۱۷. سنن ابی داود سجستانی (بصره/۲۷۵) ۱۸. جامع ترمذی (ماورا النهر/۲۷۹) ۱۹. مسند بزار (بصری/۲۹۲) ۲۰. سنن کبرای نسایی (خراسانی/۳۰۳) ۲۱. مسند ابی یعلی (موصلی/۳۰۷) ۲۲. صحیح ابن خزیمه (نیشابوری/۳۱۱)

مسئلهٔ قابل توجه این که صاحبان این منابع، از مناطق، بوم‌ها و مکاتب مختلف بوده و بسیاری از آنها رابطهٔ شاگرد و استادی با یکدیگر نداشته‌اند، چرا که به جهات زمانی و مکانی و حتی کلامی، با یکدیگر فاصله و تفاوت داشته‌اند و بعضاً از یکدیگر تأثیر قابل توجّهی نپذیرفته‌اند. این موضوع به ما کمک خواهد کرد تا

۱. اعداد داخل کمانک، سال وفات محدث مربوط است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

برای سنجش جایگاه و مقبولیت یک محدث، جامعه گسترده‌تری داشته باشیم، گرچه فاصلهٔ زمانی محدثان مورد بررسی تا تألیف این منابع، حدودا بین سی تا صد و پنجاه سال است و در این بین - همانطور که اشاره شد- ممکن است تغییر دیدگاه‌های مکاتب کلامی و عوامل دیگر باعث تغییر دیدگاه نسبت به یک محدث شده باشد.

شاخص پایانی، موقعیت اجتماعی و مذهب است، که اصالت مدنی یا مهاجر بودن و یا از موالیان بودن در آن مؤثر و مورد توجه محدثان بوده است. همچنین چنانچه در مورد مذهب محدث گزارش‌های منفی وجود داشته، در موقعیت حدیثی وی بی‌تأثیر نبوده است.

گام چهارم: مقایسه مجموع شاخص‌های حدیثی

در مرحلهٔ پایانی برای بازیابی جایگاه ومیزان مقبولیت حدیث هر یک از محدثان و مشایخ، تمام شاخص‌ها در کنار یکدیگر قرار خواهند گرفت تا جایگاه حدیثی امام صادق علیه‌السلام درمیان اهل سنت عصر ایشان تا حد مطلوبی بازیابی گردد.

اسامی و جدول روایات و راویان پرکار مدنی در عصر امام صادق علیه‌السلام

این افراد، بیست و پنج نفری هستند که بیشترین تعداد روایت در بین راویان مدنیِ هم عصر امام صادق علیه‌السلام از ایشان گزارش شده است. در ادامه با دو جدول، تعداد روایات و راویان آنان مقایسه می‌گردد. پیش از آن به بررسی اجمالی وضعیت حدیثی آنان در منابع رجالی پرداخته‌ایم تا اگر خصوصیت شاخصی در آن پدیدار شد، از لیست نهایی ما خارج نشوند.

۱. ثور بن زید الدیلی(۱۳۵)[1] که او را قدری مذهب و از خوارج دانسته‌اند و مزّی ده راوی برای حدیث او برشمرده است.(تهذیب‌التهذیب ج۲ ص۳۲ به نقل از ابن عبدالبر، التمهید و میزان الاعتدال)

۱. به سال وفات راویان اشاره شده تا نزدیکی زمانی و تقدم و تاخر آنان نسبت به امام صادق علیه‌السلام مشخص باشد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

۲. داود بن الحصین(۱۳۵) که اموی ، از موالیان خاندان عثمان بن عفان و در زمره خوارج بوده؛ روایات او از عکرمه بر طبق نظر رجالیان عامه قابل پذیرش نیست و دلیل آن را هم مذهب بودن وی با عکرمه در گروه شراه **(یکی از فرقه‌های خوارج)** بیان داشته‌اند. مزی گزارش می‌کند که به همین خاطر، مالک نسبت به داود کراهت داشته است. (تهذیب التهذیب ج۳ص۱۸۲)

۳. سمی القرشی المخزومی(۱۳۱) یکی از اقران مدنی حضرت صادق علیه‌السلام است که تعداد راویان حدیث او با شمارش مزی کمتر از یک سوم راویان امام صادق علیه‌السلام است. همچنین، یحیی بن سعید در برابر این سؤال که سمی اثبت است یا قعقاع، قعقاع را محبوب‌تر از سمی در نزد خود دانسته است. نکته قابل توجه درباره سمی این است که جزء اقران مدنی امام صادق علیه‌السلام است. یحیی بن سعید نیز درباره وی اظهار نظر کرده و عیناً همان عبارت "احبّ الیّ منه" را که درباره مجالد نسبت به امام صادق علیه‌السلام آورده، تکرار کرده است؛ تنها با این تفاوت که وی را با قعقاع مقایسه کرده است. (تهذیب التهذیب ج۴ ص ۲۳۹)

۴. سهیل بن ابی صالح الذکوان(۱۳۸). ذکوان راوی دیگری است که یحیی بن سعید این بار نیز، در مقایسه بین او و محمد بن عمرو، همان عبارت «احبّ الیّ» را درباره طرف مقابل او یعنی محمد بن عمرو به کار برده است. یحیی بن معین و ابوحاتم نیز حدیث او را حجت نمی‌دانسته‌اند (ابن عدی، ج۴، ص۵۲۲) و یحیی گزارش داده است که اهل حدیث از حدیث او پرهیز می‌کرده‌اند. البته شاید این پرهیز حاصل فراموشی باشد که پس از فوت برادرش رخ داد و بسیاری از روایات را از یاد برد. (تهذیب التهذیب ج۴ص۲۶۴) این‌ها در حالی است که مطابق شمارش مزی، تعداد شاگردان او از امام صادق علیه‌السلام کمی بیشتر نشان داده است و بخاری به صورت مقرون از وی نقل روایت کرده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

۵. ضحاک بن عثمان الحزامی (۱۵۳). مطابق گزارش‌های ابن ابی حاتم برخی مانند احمد حنبل، وی را موثق و برخی مانند ابازرعه رازی وی را قوی ندانسته‌اند. (ابن ابی حاتم، ج ۴، ص ۴۶۰)

۶.طلحه بن یحیی القرشی(۱۴۶). (البته **چنانکه مزی اشاره می‌کند، وی ساکن کوفه بوده** (مزی، ج۱۳ص۴۴۱)) و از محل سکونت شاگردان وی نیز همین بر می‌آید. لذا در دایره مشایخ مدنی قرار نمی‌گیرد).

۷. عبدالحمید بن جعفر الانصاری(۱۵۳). وی توسط احمد حنبل توثیق شده، اما یحیی بن سعید از نظر منفی سفیان بن سعید درباره وی خبر داده است. (ابن ابی حاتم، ج۶، ص ۱۰)

۸. عبدالرحمن بن اسحاق العامری المدنی(۱۴۱-۱۵۰) بهتر است او را بصری بدانیم. چرا که در آنجا اقامت گزیده است، (ابن ابی حاتم ، ج۵، ص ۲۱۲)

۹. عبدالرحمن بن حرمله اسلمی(۱۴۵)

۱۰. عبدالرحمن بن معاویه الانصاری(۱۳۰)

۱۱. عبدالله بن الحسن بن الحسن بن علی ابن ابی‌طالب(۱۴۵)

۱۲. عبدالله بن سعید الفزاری(۱۴۷). یحیی بن سعید ضمن صالح شمردن وی، برخی احادیث وی را منکر دانسته است. ابن حبان هم نظری مشابه یحیی، در اشتباهات حدیثی عبدالله دارد. گرچه تعداد مشایخ و راویان وی به‌اندازه امام صادق علیه‌السلام ندانسته‌اند، اما مشایخ و راویان زیادی را برایش شمرده‌اند. (مزی، ج ۱۵ ص ۳۷)

۱۳. عبدالله بن محمد القرشی(۱۵۰-۱۵۸)

۱۴. عمر بن ابی سلمه القرشی(۱۳۲)

۱۵. عمر بن دینار المدنی(۱۲۵-۱۳۰)

۱۶. عمر بن محمد العمری(۱۴۵) که احادیثش کم شمار بوده (مزی، ج۲۱ ص ۴۹۹)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

یحیی بن معین او را نقد کرده است. لذا ذهبی و ابن حجر وی را در زمره ضعفاً نام برده‌اند. (المغنی فی الضعفا ج ۲ ص ۴۷۳، لسان المیزان ج۷ص۳۲ ومیزان الاعتدال ج۴ص۳۱۳)

۱۷. عمرو بن یحیی الانصاری(۱۴۰). یحیی بن معین روایت وی را با ارزش ندانسته و مره او را مورد رضایت ندانسته است. (المغنی فی الضعفا، ج۲، ص۴۷۳) و یحیی بن معین او را قوی نشمرده است. (المغنی فی الضعفا، ج۲ص۴۹۱)

۱۸. کثیر بن عبدالله المزنی(۱۳۷)

۱۹. محمد بن عبدالرحمن الاسدی(۱۳۱) که او را کثیر الحدیث دانسته‌اند. (تهذیب التهذیب ج ۹ ص۳۰۸)

۲۰. محمد بن عمر بن علی ابن ابی‌طالب(۱۳۰)

۲۱. محمد بن عمرو بن علقمه اللیثی(۱۴۵). در زمره راویانی است که یحیی بن سعید وی را محدثی قابل قبول و مطلوب نمی‌پندارد. همچنین یحیی در یکی از معروف‌ترین مدل‌های بررسی شخصیت‌های حدیثی که توسط وی رخ می‌داده، یعنی نقد محدث با روش مقایسه با محدثی دیگر، محمد بن عجلان را از محمد بن عمر موثق‌تر دانسته است. (تاریخ ابن معین، ج۳، ص۲۲۵) همانند برخی دیگر از مقایسه‌ها یحیی در این بررسی هم شخصیتی ضعیف و غیرقابل اعتماد را در برابر شخصیت مورد نظر خود قرار می‌دهد. یحیی دربرابر سؤالی که از حدیث محمد بن عجلان از مقبری از ابوهریره می‌شود، پاسخ می‌دهد که این حدیث با حدیث یحیی سعید انصاری تخالف دارد، و در سؤال دیگری که از حدیث محمد بن عجلان از شعبه از عبدالله ابن ابی قتاده شده بود، با حالتی متعجب و طعنه‌آمیز برخورد می‌کند. همچنین مالک بن انس، محمد بن عجلان را نه از اهل علم می‌دانسته و نه اگاه به فن حدیث. (العقیلی المکی، ج۸ ص۷۰) یحیی در کنار مقایسه محمد بن عمرو با محمد بن عجلان، اعلام می‌کند که دانشیان حدیث، به روایت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

وی اعتنا نکرده و احادیثش را نمی‌نویسند، مگر در مواردی که اصحاب اسناد، تمایلی به آن داشته باشند. همچنین یزید بن عبدالله را بر محمد بن عمرو ترجیح داده است. (تاریخ ابن معین، ج۱، ص۱۱۶) در مجموع، یحیی بن سعید قطان، محمد بن عجلان را مضطرب الحدیث انگاشته و بخاری در کتاب الضعفا از وی نام برده است. (المغنی فی الضعفا ج۲ص۶۱۳)

۲۲. مسلم بن ابی کریمه. ازمیان پانصد و چهل و دو روایتی که نرم افزار برایش برمی‌شمرد، بیش از پانصد و سی روایت تنها در مسند ربیع بن حبیب نقل شده است. همچنین تقریباً تمامی روایات وی از جابر بن زید نقل شده است. محدثی اباضی مذهب (الصفدی، ج۱۷، ص۳۵۹) که وی را صاحبِ ابن عباس‌می دانسته‌اند. بخاری وی را عمّانی الاصل دانسته و ساکن عراق بوده است. (مزی، ج ۸ ص ۱۴۵) این در حالی است که ظاهراً مسلم ساکن مدینه بوده است. منابع نخستین تاریخ و رجال وی را شناسایی نکرده و مجهول دانسته‌اند. (ابن جوزی، ج۳، ص۱۱۸) اگر احتمال انتساب و مسندسازی روایات او را صحیح انگاریم و یا گزارش روایات متعدد توسط ربیع از وی را گزارش شاگرد از استاد بواسطه تعلقات مذهبی خاص بدانیم و یا هر احتمال دیگر، روایات وی مورد اعتنای مدنیّین و دیگر اهالی حدیث نبوده است.

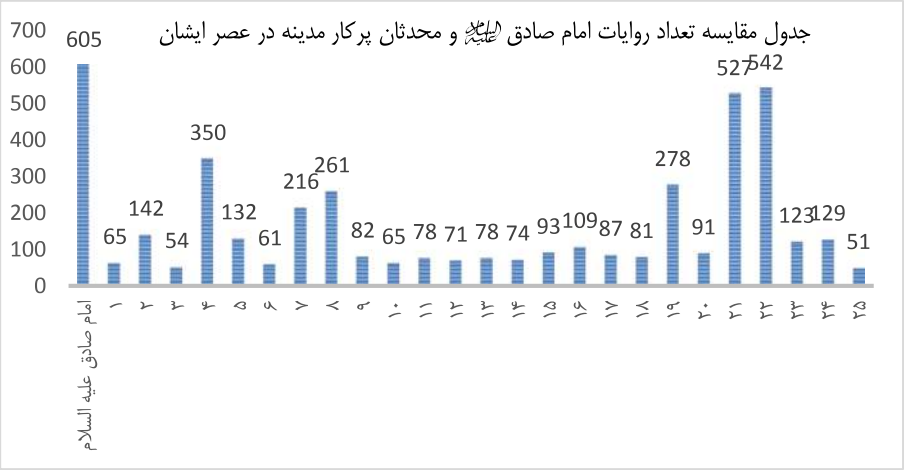
۲۳. یحیی بن عبیدالله القرشی(۱۴۱). یحیی بن سعید ابتدا از وی نقل حدیث داشته، اما بعدها حدیث وی را به علت ضعف آن ترک نموده است. (ابن ابی حاتم، ج۹، ص۱۶۷) ابن عیینه هم وی را ضعیف می‌دانسته. (همان)

۲۴. یزید بن عیاض اللیثی: گزارش‌ها نشان می‌دهد که روایتش مورد توجه اهل مدینه نبوده است. ظاهرا در مدینه بدنام تر از دیگر مناطق بوده است و راویان اصلی حدیث وی، از مناطقی همچون مصر و مدائن بوده‌اند. (رجوع کنید به: تهذیب الکمال ذیل ترجمه عبدالله ابن وهب القرشی المصری و علی بن ابی سیف القرشی المدائنی)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

۲۵. یعقوب بن عتبه الثقفی(۱۲۸). (انتقال جدول به صفحه بعدی)

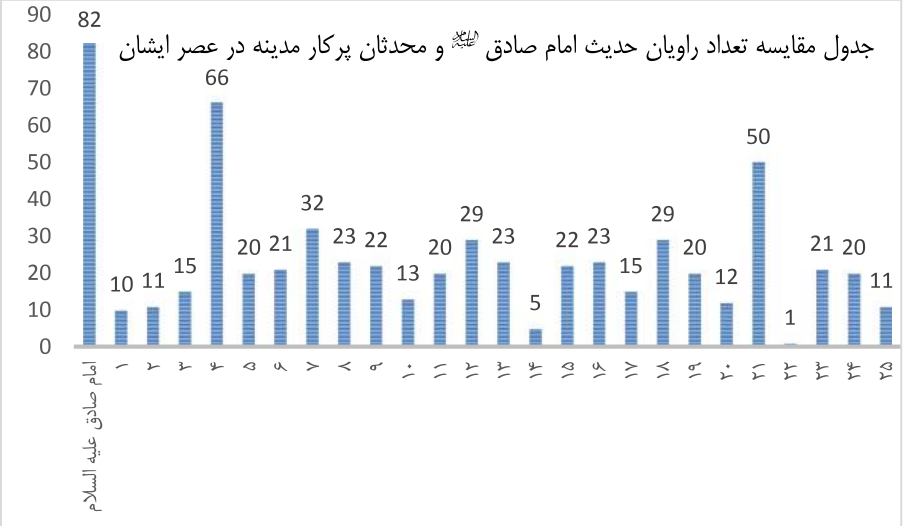


ج. اقران مدنی پرکار و برجسته امام صادق علیه‌السلام

محمد بن عمرو اللیثی، ضحاک بن عثمان حزامی، محمد بن عبدالرحمن اسدی، اسلمی، داود بن حصین قرشی، سهیل بن ابی صالح الذکوان، احتمالاً مهمترین مشایخ حدیث مدینه در نیمه قرن دوم هستند.

میزان روایات و شاگردان مدنی و تعداد نقل از آنها تا حدّ قابل قبولی نشان دهندهٔ جایگاه و سهم احتمالی آنان در حدیث مدینه است. لذا به بررسی پارامترهای تکمیلی درباره ایشان می‌پردازیم تا اطلاعات بیشتری برای مقایسه در دست داشته باشیم. در ادامه با استفاده از این جداول - که نشانگر تعداد روایات، راویان، اظهار نظر رجالیان و محدثان، وضعیت قومی(اصالت مدنی) و مذهبی و شاگردان شاخص راویان ما هستند - برداشت‌ها و تحلیل‌های آسان‌تری خواهیم داشت.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]



نام راوی سال وفات	داود بن الحصین ۱۳۵	سهیل بن ابی صالح الذکوان ۱۳۸	محمد بن عبدالرحمن الاسدی ۱۳۱	محمد بن عمرو اللیثی ۱۴۵	ضحاک بن عثمان ۱۵۳	امام صادق علیه السلام ۱۴۸
تعداد روایات	۱۴۲	۳۵۰	۲۷۸	۵۲۷	۱۳۲	۶۰۵
تعداد راویان به شمارش مزی	۱۱	۶۶	۲۰	۵۰	۲۸	۳۸
تعداد راویان به شمارش جوامع الکلم	۳۶	۲۰۱	۳۱	۲۳۵	۴۵	۲۶۱

همانطور که در جدول پیداست، بیشترین تعداد حدیث نقل شده در بین راویان مدنی عامّی آن دوران، مربوط به امام صادق علیه السلام است. مسئله‌ای که شاید پیش از

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

مقایسه و بررسی، دور از ذهن به نظر می‌رسید، چرا که بسیاری از روایات و راویان امام صادق علیه‌السلام از دید منابع حدیثی عامه به دور مانده‌اند؛ مسئله‌ای که باید عامل اصلی آن را اختلاف دیدگاه‌های کلامی و مذهبی (از قبیل رفض و...) و بدبینی عامه به راویان شیعی امام علیه‌السلام دانست. این برخورد پیش از آن نیز درباره امام باقر علیه‌السلام اتفاق افتاده بود. (رجوع کنید به ارزینا لالانی، نخستین‌اندیشه‌های شیعی، پیشین، ص ۱۳۸ و ۱۳۹) چنانکه از بسیاری شاگردان پرکار امام صادق علیه‌السلام در منابع نخستین عامه اثری نیست. (رجوع کنید به‌میراث مکتوب شیعه، حسین مدرسی طباطبایی)

در عین حال، روایات نقل شده از حضرت صادق علیه‌السلام با ششصد و پنج عدد، بالاترین تعداد را دارا است. بیشترین روایات نقل شده پس از ایشان، متعلق به محمد بن عمرو با پانصد و بیست و هفت مورد و سپس مربوط به سهیل بن ابی صالح با سیصد و پنجاه عدد است.[1]

در ادامه به بررسی نظر رجالیان شاخص و پرکار درباره محدثان‌مان می‌پردازیم و نشان‌می دهیم که نظرشان درباره محدثان ما، مثبت (✓) یا منفی (×) بوده و یا هیچ نظری درباره حدیث محدث مورد نظر نداشته‌اند (-) که احتمالاً نشانگر اهمیت نداشتنِ محدث مورد نظر یا بی اطلاعی رجالی از وی بوده است.

این بخش نشان می‌دهد افرادی که در طبقه و شهر خود از دیگران شاخص‌تر بوده‌اند، اولاً تا چه میزان مورد توجه بزرگان حدیث و رجال بوده‌اند و اصلاً در بوته امتحان آنان قرار گرفته و توجهی به آنان می‌شده یا خیر. ثانیاً به لحاظ حدیثی چه میزان مورد قبول بوده‌اند؟ طبعاً راویانی که تأثیر قابل توجهی در حدیث نداشتند و از نقل و انتقال روایت سهم قابل توجهی نداشتند، به علل مختلف از جمله سطح

۱. تعداد راویان از امام صادق علیه‌السلام و اقران ایشان نیز از دو جهت بررسی شدند: ابتدا تعداد شمارش شده توسط مزی، سپس راویان شمارش شده در نرم افزار جوامع الکلم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

پایین دانش یا بد نامی (ضعف‌های محدث) مورد اعتنا قرار نمی‌گرفتند. حتی شاید در مواردی بتوان جرح را بر عدم اظهار نظر اولویت داد، چرا که مبنای اظهار نظرها از هر جنس، جلب توجه رجالی و حضور در فضای حدیثی بوده است. چه بسا عامل جرح، تشدّد دانشیان رجال یا اختلاف دیدگاه‌های مذهبی و حتی حسادت یا عواملی از این دست بوده باشد.

باید پذیرفت چنانچه راوی قرن دوم در عصر خویش جایگاه حدیثی داشته، معمولاً از دید افرادی که داوری‌های رجالی داشته‌اند دور نمانده است. لذا اگر افرادی همچون سفیان بن عیینه، یحیی بن سعید، احمد بن حنبل، یحیی بن سعید و مالک بن انس به یکی از محدثان نپردازند، باید در اهمیت حدیث وی درمیان حدیثیان آن عصر، تردید کرد. همچنین اگر این افراد یا اکثر آن‌ها در ضعف (مشخص) یک راوی همداستان باشند، در مقبولیت وی در آن دوران نیز باید تردید کنیم. آراء رجالیان به این شکل است:

آراء رجالیان مشهور درباره مشایخ حدیثی مدینه

	داود بن الحصین	سهیل بن ابی صالح	محمد بن عبدالرحمن	محمد بن عمرو	ضحاک بن عثمان	جعفر بن محمد علیه السلام
مالک (۱۷۹)	✓	×	–	×	–	×✓
سفیان بن عیینه (۱۹۷)	×	✓	–	–	–	×
یحیی بن سعید (۱۹۸)	–	×	–	×	×	×

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

یحیی بن معین (۲۲۳)	✓	×	✓	×✓	✓	✓
محمد بن سعدکاتب (۲۳۰)	✓	✓	✓	×	✓	✓
احمد حنبل (۲۴۱)	–	–	–	–	✓	–
محمد بن اسماعیل بخاری (۲۵۶)	–	×	–	–	–	×✓
احمد بن عبدالله عجلی (۲۶۱)	✓	✓	✓	–	–	✓
ابوزرعه رازی (۲۶۴)	×	✓	–	–	×	✓
ابوحاتم رازی (۳۲۳)	×	×	✓	✓	×✓	×
دیگران	علی بن مدینی : ×	نسایی:✓ دراوردی	نسایی :✓ احمدبن	یعقوب بن شیبه :	ابن‌نمیر : ✓ مصعب	ابی بکر بن عیاش

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

	جوزجانی : ×	: × شعبی : ✓	صالح : ✓	× شعبه بن حجاج : ✓ علی بن مدینی : ✓ جوزجانی : × عبداله بن مبارک : ✓	زبیری : ✓ علی بن مدینی : ✓ ابوداود سجستانی : ×	: × نسایی : ✓ عمروبن ابی المقدام : ✓ ابوحنیفه : ✓ شافعی : ✓ درآوردی : ✓ عثمان بن ابی شیبه : ✓ حفص بن غیاث : ✓

در ادامه شاگردان شاخص بررسی شده‌اند.[1]

۱. منظور ما از شاگردان شاخص افرادی هستند که بیش از ۵۰۰ روایت از ایشان نقل شده و بیش از ۲۰ روایت از شیخ مورد نظر ما یعنی امام صادق علیه‌السلام و اقران ایشان نقل کرده است . البته بین شمارش نرم افزار و مزی تقریباً نسبتی برقرار است که باعث اطمینان آوری بیشتری‌می شود این نسبت در اکثر موارد بین دو تا سه برابر است؛ یعنی شمارش نرم افزار ۲ تا ۳ برابر شمارش مزی است و درباره تمامی این راویان صدق می‌کند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

شاگردان شاخص، نسب و کتب روایت‌گر احادیث مشایخ حدیثی

نام راوی	محمد بن عبدالرحمن الاسدی [۱]	محمد بن عمرو اللیثی [۲]	ضحاک بن عثمان [۳]	داود بن الحصین [۴]	سهیل بن ابی صالح ذکوان [۵]	امام صادق(ع) [۶]
شاگردان شاخص	مدینه: عمرو بن الحارث المدنی المصری، مصر: عبدالله بن لهیعه الحضرمی المصری، حیوه بن شزیح المصری، سعید بن مقلاص المصری، عم	مدینه: اسماعیل بن جعفر انصاری، عبدالعزیز بن محمد الدراوردی، انس بن عیاض، یحیی بن سعید الاموی دیگر مناطق: یزیدبن‌هارو ن الواسطی، حمادبن	مدینه: محمدبن ابی فدیک، محمدبن عمرالواقد ی، دیگر مناطق: عبدالکبیر بن عبدالمج ید البصری	مدینه: ابراهیم بن اسماع یل، ابن اسحاق القرش، ابراهیم بن ابی یحیی	مدینه: عبدالعزیز بن محمد الدراوردی، سلیمان بن بلال، عبدالعزیز بن ابی حازم، مالک بن انس، محمد بن جعفر انصاری، اسماعیل بن جعفر انصاری، یعقوب بن	مدینه: سلیمان بن بلال، حاتم بن اسماعیل، موسی بن جعفر علیه السلام، محمد بن جعفرهاشمی، ابراهیم بن ابی یحیی، عبدالعزیز بن محمد الدراوردی، انس بن عیاض، مالک بن انس،

۱. مزی، ج۲۵، ص٦٤٥، ابن ابی حاتم، ج۷، ص۳۲۱، تهذیب التهذیب، ج۳، ص٦۳۰.
۲. مزی، ج۲٦، ص۲۱۲ ، ابن ابی حاتم، ج۸ص۳۰، تهذیب التهذیب، ج۳، ص٦٦۲.
۳. تهذیب التهذیب، ج۴، ص۴۴۷.
۴. الحنفی، ج۴، ص۲۴۴، تهذیب التهذیب، ج۱، ص۵۶۱.
۵. ابن عدی الجرجانی، ج۴، ص۵۲۲، الخطیب ، ج۱، ص ۲۴۱.
۶. مغلطای،۳:۲۲۷،تهذیب التهذیب، ج۱، ص۳۱۰.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

		سلمه البصری، عبده بن سلیمان الکوفی، خالدبن عبدالله الطحان الواسطی، یحیی بن سعید قطان، حمادبن اسامه الکوفی، الفضل بن موسی السینانی، عبدالوهاب بن عطا البصری، النضر بن شمیل المروزی، عبدالوهاب بن عبدالمجید البصری، یزید بن			عبدالرحم، عاصم بن علی، عبدالله بن عمر العدوی، عبدالله بن جعفر السعدی، دیگر مناطق: وهیب بن خالد بصری، حماد بن سلمه بصری، خالد بن عبدالله واسطی، جریر بن عبدالحمید کوفی، سفیان ثوری، روح بن القاسم بصری، عبدالعزیز بن مختار	مسلم بن خالد زنجی، یزید بن الهاد، السری بن خالد، اسماعیل بن جعفر دیگر مناطق: سفیان الثوری، حفص بن غیاث الکوفی، ابن جریج المکی، یحیی بن سعید القطان، سفیان بن عیینه، وهیب بن خالد البصری

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

		زریع البصری، سعید بن عامر البصری، محمد بن عبید کوفی، عبدالله بن ادریس کوفی، یعلی بن عبید کوفی، عبدالرحمن بن محمد کوفی، یحیی بن زکریا الهمدانی، عباد بن عباد البصری، سفیان بن عیینه، عبدالرحیم بن سلیمان المروزی، عبدالله بن‌نمیر		بصری، سفیان بن عیینه، علی بن عاصم واسطی، الوضاح بن عبدالله الیشکری الواسطی، زهیر بن معاویه الکوفی، معمر بن ابی عمرو البصری، اسماعیل بن عیاش الحمصی، شعبه بن حجاج البصری، زهیر بن محمد المروزی، ابراهیم بن طهمان الهروی، محمد بن	

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

		الهمدانی، عیسی بن یونس الهمدانی، شجاع بن الولید السکونی، معمتر بن سلیمان التیمی، ابوبکر بن عیاش الکوفی، سفیان الثوری			حازم الکوفی، ابراهیم بن محمد	
نسب	جد وی اسود از مهاجرین حبشی به مصر بوده است و وصیت خود وی را به عروه بن زبیر سپرده است لذا به وی لقب یتیم عروه	ازمیان اجداد وی علقمه بن وقاص شناخته شده‌تر است وی را قلیل الحدیث دانسته‌اند و اهل مدینه بوده است متمایل به	الحزامی	پدرش حصین از موالیان عمرو بن عثمان بن عفان و از امویان بوده است	پدرش ابوصالح روغن فروش بوده است و حدیثش را از عایشه و سعدبن ابی وقاص و عبدالله بن عمر و معاویه و ابن عباس	

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

	داده‌اند	طیف اموی بوده و از عایشه، عمربن خطاب، عبدالله بن عمر، معاویه، عمربن العاص نقل روایت می‌نموده			اخذمی کرده وی از موالیان بوده است	
مذهب			----------			

این نظرات نشان می‌دهد که مشایخ حدیث مدینه در اواسط قرن دوم، به صورت قابل توجهی مورد قضاوت و اظهار نظرهای رجالیان نخستین و پرکار قرار نگرفته‌اند و یحیی بن معین نقطه عطف توجه قضاوت کنندگان درباره این افراد است. این وضعیت درباره امام صادق علیه‌السلام متفاوت است و چهار شخصیت مهم و اثرگذار حدیث در قرن دوم درباره ایشان نظر داده‌اند. نیز در مجموع تمامی ده شخصیت برجسته حدیث که درباره خصوصیات حدیثی هم عصرانشان اظهار نظر کرده‌اند،[1] درباره امام صادق علیه‌السلام نیز، نظر داده‌اند و این نشان می‌دهد حدیث امام صادق، یکی

۱. این افراد بیشترین اظهار نظرها را در کتب رجالی و تواریخ درباره شخصیت‌های حدیثی داشته‌اند و نقش اصلی کتب رجالی عصر خود و پس از ان را ایفا می‌کنند. طبعاً افراد دیگری نیز به این امر همت داشته‌اند، اما هیچ یک تا این اندازه پرکار و مشهور نیستند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

از کانون‌های اصلی توجه اهالی حدیث بوده است. در این‌میان، شش نفر به مدح و یا وثاقت حدیث حضرتش پرداخته‌اند و چهار نفر به حدیث ایشان نقد وارد کرده‌اند. به نظر می‌رسد در این بین، یحیی بن سعید مهمترین و مشهورترین نقد را وارد آورده است.

اما مطلب قابل توجه دیگر، گستره نظرات درباره شخصیت حدیثی و حدیث حضرت صادق است. شافعی که درباره هیچ یک از مشایخ فوق اظهار نظر نکرده، در مناظره‌اش با اسحاق بن راهویه، امام را ثقه می‌شمارد. (مزی، ج ۵، ص ۷۴) همین طور حفص بن غیاث در نقدی که به دیدگاه برخی از اهالی بصره داشته، شخصیت حدیثی حضرت را به شدت مدح می‌کند. (ابن عدی، ج ۲، ص۳۵۶) نسایی نیز امام را ثقه می‌انگارد. (مغلطای، ج۳، ص۲۲۷) عثمان بن ابی شیبه (همان) نیز چنین موضعی دارد. ابی‌بکر بن ابی عیاش نظر مثبتی درباره حدیث حضرت ندارد و دراوردی (تهذیب التهذیب، ج۱، ص ۳۱۰) نیز درباره حدیث امام و نقل مالک از ایشان گزارش می‌دهد. همه این‌ها نشان می‌دهد در آن دوران (فارغ از نظر مثبت یا منفی رجالیان و محدثان) حدیث امام صادق علیه‌السلام به صورت جدی و متمایز از اقران مدنی ایشان، مورد توجه حدیثیان و رجالیان و اهل علم بوده است. در کنار ایشان، سهیل بن ابی‌صالح نیز مورد توجه گسترده قرار گرفته است. نُه نفر از گروه ده نفرهٔ مذکور درباره او نظر داده‌اند که چهار نفر حدیث وی را ستوده و پنج نفر نکوهیده‌اند. از جمله نظرات، دیدگاه یحیی بن معین است که حدیث وی را حجت و قوی ندانسته است (ابن عدی، ج۴، ص۵۲۲) و دراوردی حضرتش را ضعیف‌می داند. (الخطیب، ج۱، ص ۲۴۱) اما شعبی و نسایی وی را ستوده و در مقام مقایسه - گرچه حدیث وی نظر بسیاری از دانشیان حدیث قرن دوم و سوم را جلب نموده - اما هرگز با جایگاه امام صادق علیه‌السلام برابری ندارد، نه به لحاظ تعداد، نه به لحاظ افراد مهم مانند شافعی و نه به لحاظ تایید و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

مقبولیت. همچنین داود بن الحصین که مورد توجه هفت نفر از گروه ما قرار گرفته و چهار نفر از آنان حدیثش را ستوده و سه نفر مذمت نموده‌اند. در کنار ایشان، علی بن مدینی و جوزجانی مذمتش کرده‌اند. وی نیز در رتبه‌ای به مراتب پایین تر از امام صادق علیه‌السلام و سهیل قرار می‌گیرد. بقیه مشایخ نیز کمتر مورد اقبال رجالیان قرار گرفته‌اند و ظاهراً در عصر خویش کمتر مورد توجه بوده‌اند.

اما راویان فراوانی از وی حدیث نقل کرده‌اند. این یکی از مصادیق قابل توجه است که گرچه بخش قابل توجهی از اظهار نظرها درباره وی مثبت نیست، اما در همان دوران چنین اقبالی به حدیث وی بوده است.

یکی از شاخص‌های مهم دیگر که نشانگرمیزان نفوذ حدیث مشایخ است، اقبال راویان شاخص آن دیار به حدیث آنان است. در اواسط قرن دوم، افراد شاخصی در حدیث مدینه فعال و حلقهٔ اصلی انتقال روایات به نسل‌های بعدی بوده‌اند؛ افرادی همچون مالک بن انس و سلیمان بن بلال و عبدالعزیز بن محمد دراوردی که روایات بسیاری از مشایخ مدنی نقل کرده‌اند.

با این حال در مورد برخی از مشایخ شش گانهٔ فوق، مراجعهٔ راویان وضعیت متفاوتی دارد. مثلاً در مورد محمد بن عمرو اللیثی که در بین شش گانهٔ فوق بیشترین مراجعات راویان به او بوده است. البته این موضوع در بین شاگردان وی قابل توجه است که اکثریت آنها مربوط به خارج مدینه بوده‌اند. بیشترین روایات وی را یزید بن‌هارون از واسط گزارش کرده است. (به عنوان نمونه روایت پرتکرار وی از محمد بن عمرو، «اهتز العرش لوفاه سعد بن معاذ» است که در بسیاری از منابع قروم سوم و چهارم گزارش شده است. از جمله: مسند احمد ج ۳۱، ص۴۴۱) همچنین راویان بصری و کوفیِ وی از تمام راویان دیگر پرشمارتر هستند و احتمالاً مدتی طولانی در عراق اقامت داشته است. البته یحیی بن سعید قطان - که قطب مهمی در حدیث بصره بوده - به وی خوش بین

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

نبوده، اما بصری‌ها مهمترین راویان وی هستند که در رأس ایشان حماد بن سلمه است. راویان شاخص مدنی وی، اما کم تعداد هستند.

اسماعیل بن جعفر انصاری که حدود یکصد روایت محمد بن عمرو را گزارش کرده، در بین مدنی‌ها بیشترین روایت را از وی نقل کرده است، گرچه اسماعیل شخصیتی در رتبهٔ مالک و سلیمان بن بلال نیست. عبدالعزیز بن محمد نیز روایاتی از وی گزارش داده، اما دیگر مدنی‌هایی که از وی نقل کرده‌اند، کم تعداد بوده و در حدیث مدینه از درجه بالایی برخوردار نیستند. در مجموع به نظرمی رسد اقبال اصلی به حدیث محمد در خارج مدینه بوده، و مدنی‌ها روایاتی از وی نقل کرده‌اند؛ اما این نقل گسترده و فراگیر نبوده و افرادی همچون مالک بن انس و سلیمان بن بلال به حدیث وی توجهی نداشته‌اند. لذا از این جهت نمی‌توان جایگاه ممتازی در حدیث مدینه برای وی در نظر گرفت. شاید علت در این است که برخی از رجالیان قرن دوم و سوم او را توثیق نکرده و حتی مذمت و تضعیف کرده‌اند (ابن عدی، ج۷، ص۴۵۷، ابن ابی شیبه، ج۷، ص۳۸۰) که بعید می‌نماید. دلیل این مطلب آن است که - همانطور که اشاره شد - راویان مناطق دیگر، مراجعات فراوانی به وی داشته‌اند. نیز این احتمال پدید می‌آید که یا اقامت وی در مناطق دیگر بوده و یا در مدینه به حدیثش خوش بین نبوده‌اند.

در مرتبه بعدی سهیل بن ابی صالح قرار دارد که شاگردان شاخص وی از محمد بن عمرو کمتر هستند، اما مدنی‌ها نقش جدّی‌تر دارند. عبدالعزیز بن محمد بیشترین روایت را از وی نقل کرده و سلیمان بن بلال، مالک بن انس و محمد بن جعفر انصاری از وی روایات نسبتا زیادی نقل کرده‌اند. شاید همین‌ها باعث شده تا احمد حنبل وی را با محمد بن عمرو مقایسه و وی را اثبت بداند. راویان غیرمدنی وی نیز پرشمار هستند که اکثریت ایشان از بصره و کوفه بوده و شاگردان مهم دیگری

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

همچون سفیان بن عیینه در بین آنها وجود دارند.

در مورد امام صادق علیه‌السلام نیز راویان شاخص فراوانی در فضای عامّه مبادرت به گزارش حدیث ایشان کرده‌اند. جدا از امام کاظم علیه‌السلام که در منابع عامه بیشترین نقل از پدر را داشته‌اند و در مدینه بوده‌اند، سلیمان بن بلال، حاتم بن اسماعیل، عبدالعزیز بن محمد، مالک بن انس از مهمترین شاگردان مدنی ایشان هستند. در کنار اینها، راویان کوفی و بصری نیز به حدیث حضرت اقبال داشته‌اند و افراد اثرگذاری همچون سفیان ثوری و سفیان بن عیینه و ابن جریج و یحیی بن سعید از آن جمله هستند. در مورد سه شیخ دیگر وضعیت متفاوت است و اصلاً در این رتبه نیستند.

به نظر می‌رسد در میان این مشایخ، بیشترین شاگردان مربوط به محمد بن عمرو، سپس سهیل بن ذکوان و پس از آن امام صادق علیه‌السلام بوده و همچنین نفوذ روایات امام صادق علیه‌السلام در مدینه از تمامی پنج نفر دیگر بیشتر بوده است.

در مورد شرافت نسب، حضرت صادق علیه‌السلام شرایطی متفاوت از دیگر مشایخ دارد. در دورانی پس از حیات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مسلمانان، مدینه را به عنوان محور فرهنگی و حدیثی مسلمانان می‌شناختند که در این میان، انتساب به بیت رسالت، اهمیت بسیار بالایی دارد. امام صادق علیه‌السلام از سویی فرزند امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و از سویی دیگر فرزند حضرت زهرا سلام الله علیها و به تبع آن فرزند پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده و پدران ایشان، امام باقر علیه‌السلام و امام سجاد علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام فرزندان پیامبر و حاملان علوم نبوی بوده‌اند. این مزیت مورد توجه دانشیان عامّه نیز قرار گرفته، از جمله ذهبی که ذیل ترجمه حضرت، آن را ستوده است. (سیر اعلام النبلا، ج۶، ص۳۶۲)، در حالی که دیگر اقران نه تنها از این شرافت نسب بی‌بهره بوده‌اند، بلکه بعضاً از موالیان و یا از اقوامی هستند که سوابق تیره‌ای در اجداد آنان دیده می‌شود. خود

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

حضرت صادق را نیز شیخ بنی‌هاشم دانسته‌اند. (همان) لذا موقعیت اجتماعی حضرتش را باید در جایگاهی متفاوت از هم عصرانشان دانست.

در مورد منابع قرن دوم و سوم نیز به نظر می‌رسد حدیث امام صادق علیه‌السلام برای آنان شناخته شده و قابل قبول است. گرچه مطابق انتظار، از جایگاه حدیثی و علمی حضرت به حدیث ایشان پرداخته نشده، اما به جز صحیح بخاری در دیگر کتب حدیثی روایات حضرتش ذکر شده است. این در حالی است که درباره پر روایت‌ترین اقران حضرت، مثل محمد بن عمرو لیثی، برخی از کتب روایتی از ایشان نقل نکرده‌اند.

همچنین حداقل برخی از اقران امام صادق علیه‌السلام انحراف اعتقادی بارزی داشته‌اند که یا قدری یا از خوارج بوده‌اند، مکاتبی که مورد انتقاد عامه بوده‌اند.

در جمع‌بندی شاخص‌ها به نظر می‌رسد به لحاظ جایگاه حدیثی و اقبال به حدیث مشایخ در سالهای منتهی به نیمه اول قرن دوم، امام صادق علیه‌السلام در میان عامه، جایگاهی ممتاز دارد. پس از ایشان، سهیل بن ذکوان، جایگاه بعدی را در توجه محدثان به حدیثش و انتقال روایات در حدیث عامه داشته است.

جمع‌بندی

بسیاری از هم عصران امام صادق علیه‌السلام در مدینه را که از آنان به عنوان محدث یاد شده، نمی‌توان یک محدّث حرفه ای دانست؛ بلکه شاید هرگز در زمره محدثان نگنجند؛ چرا که تعداد روایات نقل شده از آنان بسیار اندک بوده است. همچنین حدیث ایشان برای انتقال، مورد توجه محدثان قرار نگرفته و راویانی به ایشان رجوع نکرده‌اند و به تبع آن، نوعاً مورد توجه حدیثیان و رجالیان قرار نگرفته‌اند و درباره ایشان اظهار نظری نشده است.

گروهی را که می‌توان در زمرهٔ محدثان آن دوران برشمرد، جماعتی بیست و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

شش نفره‌اند که بیش از پنجاه روایت ایشان در منابع متقدم عامه منعکس شده است. از این بین، شانزده نفر را نمی‌توان محدّث اثرگذار در حدیث مدینه دانست. قرائن مختلفی نشان‌می دهد که آنان نقش قابل توجهی در حدیث مدینه ایفا نمی‌کرده‌اند، از جمله زندگی در خارج مدینه و عدم ارتباط با راویان مدنی، نداشتن شاگردانی که پایبند به نقل روایات ایشان باشند و عدم اقبال رجالیان به ایشان. اما پنج نفر از محدثان مدینه را می‌توان مشایخ حدیث آن دیار دانست که در کنار امام صادق علیه‌السلام نقش اصلی و محوری در حدیث مدینه داشته‌اند.

شاخص‌ها نشان می‌دهد حدیث این افراد در مدینه اهمیت دارد و مورد اقبال و توجّه محدثان عامه بوده است. این مشایخ در طبقهٔ خود سهم قابل توجهی در القای حدیث و انتقال آن به راویان داشته‌اند.

ایشان علاوه بر تعداد روایات فراوان، مورد توجه و اقبال دانشیان هم عصر و نیز منابع حدیثی بوده‌اند. همچنین درمیان شاگردان پرکار ایشان، افراد پرکار و مطرح حدیثی حضور داشته‌اند و مراجعات زیادی جهت دریافت حدیث به آنها داشته‌اند. این شاخص‌ها معمولاً ارتباط مستقیم با یکدیگر دارند. تحقّق سطح بالای این شاخص‌ها در یک محدث، جایگاه وی در حدیث منطقه و طبقه او را نشان می‌دهد. با این اوصاف آنان را از مشایخ حدیث مدینه قلمدادمی کنیم. این افراد رامی توان رقبای اصلی حدیث امام صادق علیه‌السلام در مدینه دانست. اگر شاخص‌های پیش گفته را در کنار شاخص‌های دیگری - از جمله اظهار نظر مهم‌ترین رجالیان قرن دوم و سوم عامه درباره این مشایخ و نقل منابع حدیثی مهم قرون دوم و سوم از ایشان، همچنین نسب و سلامت مذهبی از دیدگاه عامه – در نظر بگیریم، به نظر می‌رسد با وجود تمامی محدودیت‌های کلامی و مذهبی که از مسئله جایگاه امامت شیعه و ارتباط شیعیان با ایشان پدید می‌آورد و باعث سانسور روایات حضرت در میان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

محدثان عامه می‌شد، نه تنها امام صادق علیه‌السلام اشتغال جدی به حدیث حتی در میان عامه داشته‌اند، بلکه نقش منحصر به فردی در حدیث عامه داشته‌اند و بالاترین جایگاه حدیثی درمیان اقران امام صادق علیه‌السلام در مدینه مربوط به خود آن حضرت است.

منابع

۱. ابن قَایْماز الذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان، ***میزان الاعتدال فی نقد الرجال***، بیروت، لبنان، دار المعرفة للطباعة والنشر.

۲. أبی محمد القضاعی الکلبی المزی، یوسف بن عبد الرحمن بن یوسف، أبو الحجاج، جمال الدین ابن الزکی، ***تهذیب الکمال فی أسماء الرجال***، بیروت، مؤسسة الرسالة.

۳. ابن تیمیهٔ الحرانی الحنبلی الدمشقی، تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبی القاسم بن محمد، ***منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة القدریة***، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامیة.

۴. ابن قَایْماز الذهبی، شمس‌الدین أبوعبدالله محمدبن أحمدبن عثمان، ***سیر أعلام النبلاء***، القاهرة، دارالحدیث.

۵. ابن تقی الدین السبکی، تاج الدین عبد الوهاب، ***طبقات الشافعیهٔ الکبری***، هجر للطباعة والنشر والتوزیع.

۶. نرم افؤار جوامع الکلم.

۷. ابن فوزی عبد المطلب، رفعت، ***توثیق السنة فی القرن الثانی الهجری أسسه واتجاهاته***، مکتبة الخنابجی بمصر.

۸. ابن حجر العسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد، ***تهذیب التهذیب***، الهند، مطبعة دائرة المعارف النظامیة.

۹. ابن عدی الجرجانی، ابو أحمد، ***الکامل فی ضعفاء الرجال***، بیروت–لبنان، الکتب العلمیة.

۱۰. أبو محمد عبد الرحمن بن محمد بن إدریس بن المنذر التمیمی، الحنظلی، الرازی ابن أبی حاتم، ***الجرح والتعدیل***، الهند، طبعة مجلس دائرة المعارف العثمانیة – بحیدر آباد الدکن.

۱۱. ابن قَایْماز الذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان، ***المغنی فی الضعفاء***.

۱۲. أبو زکریا یحیی بن معین بن عون بن زیاد بن بسطام بن عبد الرحمن المری بالولاء، البغدادی، ***معرفة الرجال عن یحیی بن معین وفیه عن علی بن المدینی وأبی بکر بن أبي شیبة ومحمد بن عبد الله بن نمیر وغیرهم/ روایة أحمد بن محمد بن القاسم بن محرز***، دمشق، مجمع اللغة العربیة.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

۱۳. ابن حماد العقیلی المکی، أبو جعفر محمد بن عمرو بن موسی، ***الضعفاء الکبیر***، بیروت، دار المکتبة العلمیة.

۱۴. ابن عبد الله الصفدی، صلاح الدین خلیل بن أیبک، ***الوافی بالوفیات***، بیروت، دار إحیاء التراث.

۱۵. ابن محمد الجوزی، جمال الدین أبو الفرج عبد الرحمن بن علی، ***الضعفاء والمتروکون***، بیروت، دار الکتب العلمیة.

۱۶. مغلطای بن قلیج بن عبد الله البکجری المصری الحکری الحنفی، أبو عبد الله، علاء الدین، ***إکمال تهذیب الکمال فی أسماء الرجال***، الفاروق الحدیثة للطباعة والنشر.

۱۷. رکات بن أحمد بن محمد الخطیب، أبو البرکات، زین الدین ابن الکیال، ***الکواکب النیرات في معرفة من الرواة الثقات***، بیروت، دار المأمون.

۱۸. ابن أسد الشیبانی، أبوعبدالله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال، ***مسند الإمام أحمد بن حنبل***، مؤسسة الرسالة.

۱۹. طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم، ***المسترشد فی إمامة علیّ بن أبی طالب*** علیه‌السلام، کوشانپور۱۴۱۵.

۲۰. محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن مَعْبدَ، التمیمی، أبو حاتم، الدارمی، البُستی، ***المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین***، دار الوعی – حلب.

۲۱. محمد بن إسماعیل بن إبراهیم بن المغیرة البخاری، أبو عبد الله، ***التاریخ الکبیر***، حیدر آباد، الدکن، دائرة المعارف العثمانیة.

۲۲. صنوبر، احمد، ***اسباب عدول الامام بخاری عن التخریج للامام الصادق فی صحیحه***، موتمر الانتصار للصحیحین، جامعه الاردنیه.

۲۳. أبو الفضل أحمدبن علی بن محمد بن أحمدبن حجر العسقلانی، ***تقریب التهذیب***، سوریا، دار الرشید.

۲۴. أبو بکر بن أبی شیبة، عبد الله بن محمد بن إبراهیم بن عثمان بن خواستی العبسی، ***الکتاب المصنف فی الأحادیث والآثار***، الریاض، مکتبة الرشد.

۲۵. أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی، لسان المیزان، لبنان، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات بیروت.

۲۶. أبو بکر بن أبی شیبة، عبد الله بن محمد بن إبراهیم بن عثمان بن خواستی العبسی، الکتاب المصنف فی الأحادیث والآثار، الریاض، مکتبة الرشد.

۲۷. پاکتچی، احمد، ***دائره المعارف بزرگ اسلامی***، مدخل اصحاب حدیث.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]

۲۸. میانجی، محمود احمدی، ***بخاری و ابوحنیفه دو جریان متقابل***، نشریه علوم حدیث، شماره ۹.

۲۹. پاکتچی، احمد، ***مدخل جعفر صادق*** علیه‌السلام، امام، دائره المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۸.

۳۰. لالانی، ارزینا، ***نخستین اندیشه‌های شیعی***، ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای، انتشارات فرزان، چاپ دوم، ۱۳۹۵.

۳۱. مدرسی طباطبایی، حسین، ***می‌راث مکتوب شیعه در سه قرن نخستین***، نشر مورخ ، ۱۳۸۶.

۳۲. معارف، مجید، فقهی زاده، عبدالهادی، شفیعی، سعید، ***نقد و بررسی نظریه گلدتسیهر درباره تقدم نقد حدیث بر نقد متن***، مجله حدیث پژوهی، شماره ۱۰.

۳۳. پاکتچی، احمد، ***پژوهشی پیرامون جوامع حدیثی اهل سنت***، جلد اول، ، نشر دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، چاپ اول، ۱۳۹۲.

۳۴. گلدتسیهر، ایگناتس، شاخت، یوزف، فان اس، یوزف، موتسکی، هارالد، ***تاریخ‌گذاری حدیث روش‌ها و نمونه‌ها***، انتشارات حکمت، ۱۳۹۴.

۳۵. کرمی، احمدرضا، ***پایان‌نامه نقش انگیزه‌ها و دیدگاه‌های بخاری نسبت به عدم نقل از امام صادق علیه‌السلام در الجامع الصحیح***، دانشگاه حدیث پردیس تهران، ۱۳۹۳.

۳۶. غیب غلامی الهرساوی، حسین، ***الامام البخاری و فقه اهل العراق***، دلیل ما، ۱۳۸۷.

۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، دار الکتب الاسلامیه – ۱۴۰۷.

۳۸. فرمانیان، مهدی ، ***فرق تسنن***، ادیان.

۳۹. یوزف فان اس، ***کلام قرن ۱ تا ۳***، دانشگاه ادیان و مذاهب.

۴۰. مایکل کوک، ***تاریخ‌گذاری روایات آخرالزمان***، *دارالحدیث ۱۳۹۰*.

1. Yasin Dutton، *The Origins of Islamic Law*، Publisher Taylor & Francis Ltd ،
2. j brown، *the canonization of al-bukhari and muslim*
3. جاناتان، براون *The Canonization of al-Bukhari and Muslim.* Brown، انتشاراتBRILL، ۲۰۰۷

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.8.5]